

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تأسیس ۱۳۴۰

اعتراض به رئیس‌جمهوری در مورد حمله مهاجمین

به مراسم بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

لايحب الله الجور بالسوء من القول الا من ظلم و كان

الله سميعاً عليماً

(سوره نساء آیه ۱۴۸)

جناب آقای رئیس‌جمهور

ما اعتراض داریم. می‌خواهیم به زبان تلخ و با صدای بلند با شما صحبت کنیم. چون به ما ظلم شده است و خداوند دوست دارد که مظلوم صدایش را بلند کند و ناخوشایند بگوید.

اگر شما نخواهید بشنوید و بدانید و رفع ظلم کنید، خدا می‌شنود و می‌داند و کفی بالله نصیرا. معذک نه به کسی دشنام می‌دهیم، نه تهمت و توهین به کار می‌بریم و نه اشخاص را تحقیر می‌نماییم. سخن از واقعیات و از حقوقی که پایمال شده است، می‌گوییم. زبان حق تلخ است مگر برای کسانی که حق‌پرست باشند.

شما که می‌گوییم مقصودمان شخص شما نیست. کل دستگاه و هیئت حاکمه‌ای است که شما در راس آن قرار داشته قانوناً هم آهنگ‌کننده قوای سه‌گانه و مسئول اجرای قانون اساسی بوده و سوگند یاد کرده‌اید که از قانون اساسی و حقوق ملت پاسداری نمایید.

به ما ظلم شدیدی شده است. همه دیدید یا شنیدید و دنیا به طور وسیع از آن آگاه شد. به ما، یعنی به نهضت آزادی ایران به دعوت شدگان ما و به همه کسانی که در روز ۲۲ بهمن ۶۳، در یک اجتماع قانونی با اطلاع وزارت کشور، برای بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی ایران در محل محقر دفتر نهضت گرد آمده به سخنرانی تجلیل و تحلیل انقلاب گوش می‌دادند. نه تنها به این عده از مردم بلکه به حقوق تمام ملت ایران ظلم شد، و همچنین به انقلاب و به جمهوری اسلامی ایران.

عده‌ای حدود ۳۰۰ نفر افراد سازمان‌یافته با لباس عادی که بیشترشان با موتورسیکلت یا اتومبیل و سوار بر تریلی دولتی بودند و در میانشان نفرات مسلح به سلاح کمری و مجهز به بی‌سیم دیده می‌شد، به خانه ما آمده شعارهای موهن و زشت می‌دادند و تهدید می‌کردند. نیم ساعتی از سخنرانی نگذشته بود که با تجاوز به یک ساختمان مجاور و پرتاب سنگ و آجر، شیشه‌های جنوبی محل سخنرانی را خرد کردند و مجلس را به هم زدند. پس از برقراری آرامش سخنرانی ادامه یافت ولی بعد از پایان سخنرانی انبوهی از مهاجمین، علیرغم حضور و نصیحت پلیس، از شمال و جنوب عمارت حمله‌ور شده از نرده‌ها بالا رفتند و در و پنجره‌ها را شکسته مغول‌وار به داخل هجوم آوردند. در و پیکر و میز و صندلیها را شکستند، کتاب و

کاغذ و اسناد را به هم ریخته به خیابان انداختند یا با خود بردند، فحش و دشنام نثار مردم کردند، زنها و بچه‌ها را به وحشت و لرزه انداختند، شرکت‌کنندگانی را که خارج می‌شدند از دو سمت با ضرب شدید و شتم و جرح تحویل یکدیگر می‌دادند. به طوری که عده‌ای با دست و کمر کوفته با سروصورت شکسته روانه بیمارستان شدند. کسانی را که داخل مانده بودند محبوس ساخته تعداد زیادی را از پیر و جوان بی‌رحمانه زدند... این صحنه در حدود یک ساعتی به طول انجامیده پس از مراجعات مکرر تلفنی که از داخل و خارج ساختمان به همه مقامات از جمله وزارت کشور، کمیته، دادستانی تهران و حتی دفتر امام و به قم شده بود، و ظاهراً در اثر توصیه آیت‌الله منتظری به وزیر کشور، در حوالی ساعت یک و نیم بعد از ظهر افراد چندی از کمیته که با لباس اونیفورم بودند وارد طبقات شده مهاجمین را دعوت به خروج کردند و از ساعت دو به بعد که تشنج داخل و تجمع خارج تخفیف یافته بود مردان و زنان محبوس و مضروب را با ماشینهای آماده به کمیته‌ها و به نقاط مختلف شهر منتقل کردند و افراد شناخته شده را بعداً به خانه‌های خود رساندند. جالب این بود که از مهاجمین حتی یک نفر را هم دستگیر نکردند.

در این عملیات وحشیانه، که نمی‌دانیم چه نامی روی آن بگذاریم، مهاجمین با اطمینان و انتظام کامل عمل مینمودند، در حالی که از ناحیه ما و شرکت‌کنندگان در مراسم هیچگونه تحریک و حتی دفاع با دست به عمل نیامد. افراد شهربانی که مامور حفظ امنیت محل و مردم بودند نمی‌توانستند یا دستور نداشتند، بیش از دعوت مهاجمین به مدارا، کاری بکنند. دادستان شهرستان تهران نیز همراه با ریاست پلیس تهران و معاون قائم مقام کمیته مرکزی از حوالی ساعت نه و نیم صبح در عمارت مقابل نهضت که متعلق به شهربانی است حضور و ارتباط داشته بر عملیات نظارت می‌کردند، بدون آنکه اقدام موثری در جهت ممانعت و یا بازداشت مهاجمین و اخلاص‌گران به عمل آورند. در پایان کار به دستور دادستانی، ساختمان و دفتر نهضت را مهر و موم کردند و به این ترتیب به عوض دستگیری و مجازات متخلفین، ما را از خانه و اثاثمان اخراج و محروم کردند و تا به حال با وجود مراجعات مکرر از تحویل دادن آنها، به عنوان اینکه موضوع به شورای عالی قضایی ارجاع شده است، خودداری کرده‌اند.

آقای رئیس‌جمهور

ما در این ظلم شما را مسئول می‌دانیم - شما به همان معنای بالا - و به دلایل زیر:
اولاً: اگر قصد و عمل ما خلاف قانون و خلاف مصلحت بوده است چرا وزارت کشور، مانند موارد دیگر از جمله سمینار تأمین آزادی انتخابات مجلس (۶ آبانماه ۶۲)، تذکر یا دستور خودداری از برگزاری مجلس را نداد، که اگر می‌داد ما مثل آن بار تبعیت می‌کردیم. بدیهی است که وقتی وزارت کشور و نیروی انتظامی از این دعوت و اجتماع اطلاع دارند و اجازه می‌دهند، همانطور که دادستان تهران به وزیر کشور گفته بوده است، وظیفه داشته‌اند امنیت مردم و محل و معبر را تأمین نمایند. بدون تردید وزارت کشور در این ماجرا مقصر و موثر در این ظلم بوده است.

ثانیاً: در ابتدای حمله وقتی از هر طرف به وزارت کشور و به کمیته مرکزی یا به دادستان تهران مراجعه می‌کردیم و می‌گفتیم حال که مهاجمین اعتنا به پلیس نمی‌نمایند دستور دهید مامورین کمیته بیایند و جلوگیری کنند جواب می‌دادند که کمیته حق دخالت ندارد و حفاظت به عهده شهربانی گذارده شده است.

پس چطور شد که بعداً کمیته آمد و آمدنش، بدون آنکه درگیری و مقاومتی ایجاد نماید باعث خروج فوری مهاجمین و ختم غائله گردید؟ آیا این خود نشانه توافق قبلی و توطئه نبوده است؟ ما به چشم خود دیدیم که بعضی از مهاجمین و ضاربین و گردانندگان این حمله افراد شناخته شده حملات قبلی بودند. در هر حال وزارت کشور که کلیه نیروهای انتظامی را در اختیار دارد مسئول و مقصر می باشد.

ثالثاً: دادگستری را شریک ظلم و مقصر می دانیم. اگر دادگستری ضاربین و مزاحمان و مسببین غائله قبل یعنی ۲۸ صفر را رها نکرده جداً تعقیب می نمود و به کیفر قانونی می رسانید چنین اعمال فجیع و خلاف قانون تکرار نمی شد. در آن غائله عده زیادی از شرکت کنندگان در مراسم سوگواری را در خیابانهای خارج ساختمان مضروب و مجروح ساخته یا به کمیته ها برده و بازخواست می کردند [از مطلب اصلی جا افتاده است] و پنج نفرشان را کلانتری با مشاهده ارتکاب جرم دستگیر و بازجویی کرده تحویل دادسرای تهران داده بود که آزاد شدند.

عمل دادستانی تهران که به جای دستگیری مهاجمان و کشف و کیفر مقصرین، مظلوم و مضروب واقعه یعنی نهضت آزادی را تنبیه کرده از خانه و اموالمان ما را محروم ساخته است داستان افسانه ای دادگاه بلخ را زنده می کند. قاضی آن دادگاه به جای مجازات سارق دستور داده بود صاحب خانه را به جرم اینکه دیوار منزلش را بلند ساخته و باعث شکسته شدن پای دزد شده است شلاق بزنند! با این عمل آیا حیثیت و اعتباری برای دستگاه قضاوت جمهوری اسلامی باقی می ماند؟ آیا نباید هرچه زودتر رفع ظلم و خسارت از ما بشود؟ آیا در جمهوری اسلامی ایران علیرغم آن همه ادعا و تبلیغات باید به جای قانون هرج و مرج حاکم باشد؟

رابعاً: حزب جمهوری اسلامی، روزنامه ارگان و برخی مسئولین بالای حزب را زمینه ساز و موثر در این توطئه می دانیم. زیرا که مقدمه الحیش این فاجعه عبارت از تهمت ها، توهین ها، تحریک ها، و جوسازی های ناجوانمردانه ای بود که در خطبه ها، مصاحبه ها، سرمقالات، روزنامه ها و در صدا و سیما، با نقشه قبلی علیه نهضت و نشریات آن راه انداخته شده بود. البته این صحنه سازی و حمله و اخلال در نظم عمومی و نقض حقوق قانونی، برای دفعه اول نبود. خوب می دانید که چگونه و چند بار انجام گردیده و هر بار ما کاری جز اعتراض قانونی به مراجع مسئول، تظلم به پیشگاه الهی و اعلام به مردم نکرده ایم. بدیهی است که گناه بزرگ ما نشریات اخیر است که مردم را دعوت به حضور در صحنه برای مطالبه مسالمت آمیز حقوق خودشان و قیام به قسط و قانون کرده ایم.

آقای رئیس جمهور

هیچ می دانید که با این اعمال رسوا، بیش از آنچه به ما و به مردم آزاد و مسلمان ایران ظلم رفته باشد به انقلاب و به جمهوری اسلامی لطمه رسیده و به آبروی کشور و حاکمیت در ایران و در دنیا خدشه وارد شده است؟ به این ترتیب آیا عملاً و به رساترین بیان ادعای تکراری که در جمهوری اسلامی ایران آزادی و امنیت برای همه وجود دارد، تکذیب نکردید؟

● پنج نفر از مهاجمین بودند که توسط کلانتری ۴ واقع در خیابان سهوردی شمالی دستگیر شدند (مصحح).

روزنامه ارگان حزب شما بعد از ماجرای اخیر نوشت که این حادثه «اعتراض مردم تهران به سخنرانی مهندس بازرگان» بوده است. حتماً به خاطر دارید که در سال ۱۳۵۶ نیز وقتی چماقداران ساواک در کاروانسرا سنگی به یک اجتماع مخالفین سیاسی که برای برگزاری جشن عید قربان جمع شده بودند حمله کردند و سر و دست و اتومبیل‌ها را شکسته پیر و جوان را روانه بیابان یا بیمارستان کردند، گفتند ضاربین، کشاورزان کرج بودند که طاقت نیاوردند به مقدسات ملی توهین به عمل آید و عصبانی شدند! هنوز خاطره حمله چماقداران رژیم شاه به مسجد کرمان و در سایر شهرها در اذهان زنده است. در آن حملات حاکمیت مدعی شده بود که این مردم بودند به مسجد کرمان و یا اجتماعات مخالفان حمله کردند. همچنین پرتاب کوکتل مولوتف و آتش زدن خانه آقای دکتر یزدی و مهندس عبدالعلی بازرگان که عاملان آن آزادی عمل داشتند، خاطره بمب‌گذاری در خانه پنج نفر از مؤسسین جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر را تداعی می‌کند. تلک امة قدخلت لها ماکسبت و لکم ماکسبتم.

رسول اکرم راست فرمود که الملك یبقی مع الکفر ولایبقی مع الظلم.

چنین روش‌ها آیا شایسته یک نظام و حکومتی که نام اسلامی و داعیه عدالت علوی بر سر دارد، می‌باشد؟ اگر ما را خطاکار می‌دانید و تصور می‌کنید مرتکب خلاف شده‌ایم چرا به عوض تشبث به چنین روشهای ناجوانمردانه، بر طبق قانون اساسی و با حق دفاع، در ملاءعام، محاکمه‌مان نمی‌کنید؟ چرا با طعنه و توهین و تهمت و غیبت به جنگ ما آمده زبان و قلممان را بسته‌اید؟ نه روزنامه‌هایتان، علیرغم قانون مطبوعات، جواب و دفاع ما را درج می‌کنند و نه اجازه داده‌اید یک روزنامه آزاد در این مملکت وجود داشته باشد تا در آنجا توضیح و پاسخ بدهیم؟ شما که تمام روزنامه‌ها، منابر، مساجد، جمعه، جماعت، رادیو و تلویزیون را در اختیار و انحصار خود دارید و می‌توانید هر کلام احیاناً نادرست، یا مقاله اغواکننده را در صد جا جواب کوبنده بدهید و مردم را آگاه کنید، از انتشار روزنامه‌ای چون میزان چرا می‌ترسید؟ آیا همین توقیف طولانی و غیرقانونی روزنامه میزان دلیل بر دلیل نداشتن شما و محکوم بودن حاکمیت نیست؟ چهار تا نشریه و کتاب، که تازه و بارها جلوی آن را گرفته‌اند و برای نویسنده و پخش‌کننده و خریدار مشکلات و خسارات فراهم می‌آورند، نه می‌تواند جوابگوی روزنامه‌های یومیه و کثیرالانتشار و رسانه‌های گروهی و امکانات عمومی باشد و نه نشانه آزادی و حاکمیت قانون حساب می‌شود.



آیا برگزاری مراسم پیروزی درخشان گذشته انقلاب اسلامی ایران و تجلیل و تحلیل آن جرم بوده است؟

آیا در مرامنامه و برنامه‌های نهضت آزادی انکار انقلاب و دشمنی با اسلام وجود دارد یا ما قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی را، که معتقد و مدافع آن هستیم، داریم که اینچنین با ما رفتار می‌کنید؟ برای تمتع از قدرت و تصرف دولت راه افتاده‌ایم، یا آنکه می‌گوئیم بگذارید ملت و صاحبان مملکت انتخاب و اختیار نمایند؟

آیا ما چیزی جز شعار اصلی انقلاب یعنی «آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی» را می‌خواهیم و به چیزی غیر از قرآن و احکام اسلام، به قانون اساسی و به قوانین مصوب استناد و اتکاء می‌نمائیم؟

اگر دستگاه تحمل چنین گروه و چنین طرز تفکر و سیاستی را ندارد و هر گونه ارائه طریق و انتقاد قانونی یا امر به معروف و نهی از منکر را خفه می‌کند چه راه دیگری را شما در برابر ملت قرار داده‌اید؟



ما شخص شما را به یک «مناظره سیاسی» در صدا و سیما دعوت می‌نمائیم که همه مردم ببینند، بشنوند و قضاوت کنند.

ما برای هر گونه مقابله قانونی و قرآنی که به صورت آشکار و در معرض افکار عمومی صورت بگیرد، آماده‌ایم. به شرط آنکه مقابله در شرائط مساوات و عدالت صورت گیرد، بدون آنکه دست و پای یک طرف را با محرومیتها و ممنوعیتها ببندند و تماشاچیهای غیرموافق را بزنند و بترسانند. روزنامه ما را آزاد کنید و مثل موافقین به ما اجازه و امنیت برای اجتماعات بدهید. آنوقت ببینیم کدام روزنامه ۲۰۰۰۰ تیراژ دارد و کدامیک ۵۰۰۰۰۰ و چه روشهایی مورد قبول مردم و چه کسانی برای چه کارهایی انتخاب می‌شوند. امیرمؤمنان راست فرمود که هر کس از شنیدن حق یا پیشنهاد عدل احساس سنگینی کند، عمل به آنها برایش سنگین‌تر است.



برای جبران ظلمی که به ما و به مردم شده است و آبروئی که از جمهوری اسلامی رفته است بیایید به حق و عدالت گردن نهاده دستور دهید هر چه زودتر خانه و اثاث به ناحق توقیف‌شده ما را رها کنند، خسارات وارده را بپردازند، عاملین و مقصرین را محاکمه نمایند و حق انتشار روزنامه و استفاده از اجتماع را بر طبق قانون، به غیر موافقین بدهند. ما چیزی بیشتر یا کمتر از اجرای عدالت اسلامی و قانون جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم.

الحکم لله و العاقبه للمتقین

نهضت آزادی ایران

بعد از هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران